روش‌های اثبات وثوق به صدور احادیث با تکیه بر روش میرحامدحسین
سید حسن موسوی اصل
علمی ـ پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و دوم، شمارهٔ ۸۸ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، پاییز ۱۴۰۴، ص ۹-۲۳

روش‌های اثبات وثوق به صدور احادیث با تکیه بر روش میرحامدحسین درحدیث طیر

سید حسن موسوی اصل[۱]

چکیده: در علوم حدیث، روش‌های مختلفی برای اثبات صحت استناد به روایات قابل استفاده هستند. از جمله روش‌های متداول، بررسی رجال سند روایات برای پی بردن به صحت، حسن و ضعف آنها است. اما به نظر می‌رسد می‌توان بدون تصحیح سند نیز مسیر استناد به روایت را هموار ساخت. این نوشتار به هدف شناسایی چنین روش‌هایی و اجرای آنها در سایر احادیث صورت گرفت. با مطالعه توصیفی-تحلیلیِ حدیث طیر در کتاب عبقات الانوار فی امامة الائمه الاطهار دریافت شد که میرحامد حسین بدون اینکه نیاز به بررسی آحاد راویان حدیث طیر از منظر علمای رجال داشته باشد، استناد به روایت را موجه ساخته و از آن در جدال با اهل سنت بهره برده است. نتیجه این است که او با اثبات تواتر و شهرت حدیث و بررسی اعتبار کتب و قواعدی از خود اهل سنت، در باب امامت استناد به حدیث طیر نموده است و حاصل مهم این روش، شکست انحصار قطعیت صدور حدیث در تصحیح رجالی سند خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: تواترسازی، اعتبار منابع، وثوق صدوری، شهرت.

---

* دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۵.

۱. دانش پژوه سطح چهار مرکز تخصصی امام شناسی، پژوهشگر مرکز پژوهشی مطالعات امامت و ولایت، mousaviasl.s.h@gmail.com.

۱. درآمد

سنت و احادیث معصومین علیهم‌السلام خصوصا نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله از مهمترین منابع معرفتی مسلمین است. منابع نقلی-روایی برای شیعه شامل احادیث چهارده معصوم صلی‌الله‌علیه‌وآله و برای اهل سنت احادیث پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و صحابه ایشان است. از این روی برای شناخت روایات صحیح از سقیم و همچنین روایاتی که قابلیت احتجاج مذاهب اسلامی در رویایی با یکدیگر را دارند، علم رجال شناسی بنا نهاده شد. چراکه یکی از راه‌های پیش پا افتاده برای شناخت اعتبار هر روایت بررسی راویان آن است. حال باید دید آیا این تنها راه پیش روی یک اندیشمند اسلامی است؟

روش شناسی از علوم نو رواج در عرصه‌های مختلف است که این اواخر بسیار مورد توجه دانشمندان حوزه‌های گوناگون علمی قرار دارد. از مهمترین فوائد روش شناسی می‌توان به شناخت روش‌های صاحب نظران دیگر اشاره کرد تا در نهایت آنها را مورد نقد قرار داده یا لااقل طبق مبانی پذیرفته شده ایشان برای اقناع آنها مورد استفاده قرار داد.

میرحامد حسین از علمای بزرگ هند با توجه به تاثیر کتاب «تحفه اثنی عشریه» در جامعه آن روز، به رویارویی با عبدالعزیز دهلوی پرداخت و باب هفتم کتاب او پیرامون امامت را در چندین جلد مورد نقد و بررسی قرار داده است. با توجه به رویکرد جدلی میرحامد حسین در کتاب عبقات الانوار، او ناگزیر باید روش‌هایی که نزد اهل سنت برای صدور حدیث معتبر است را یافته و از همان نقاط، روایات امامت امیرالمومنین علیه‌السلام را اثبات می‌نمود. لذا بسیاری از صفحات کتاب عبقات الانوار بیان مبانی قابل قبول خود اهل سنت در حوزه حدیث و رجال است.

این امکان وجود دارد که برخی از روایات در پالایش رجالی سلسله سند خود حذف شوند و مورد استناد قرار نگیرند اما آیا می‌توان تمام این روایات را نادیده گرفت؟ در نوشتار حاضر روش‌های میرحامد حسین برای اثبات صدور روایت طیر بدون بررسی آحاد راویان مورد مطالعه قرار گرفته است. برخی از این روش‌ها در میزان وثاقت به صدور روایت، قوی تر از بررسی آحاد راویان عمل کرده و اطمینان بیشتری را حاصل نموده اند.

سال بیست و دوم، شمارهٔ ۸۸، پاییز ۱۴۰۴

همه روش‌های مطرح شده در این زمینه در کتب مختلف حدیثی، کلامی و تفسیری مورد استفاده قرار گرفته‌اند اما شاید به عنوان «روش» مورد صراحت قرار نگرفته باشند. از طرفی با توجه به اینکه راه‌های گوناگونی برای این هدف وجود دارد ممکن است هر دانشمندی به صورت گزینشی در راستای مقصد تالیف خود از این روش‌ها بهره جسته باشد. لذا روش هر اندیشمندی لزوما با دانشمندان دیگر یکی نبوده و متفاوت است. شرایط نگارش آثاری که مورد روش شناسی قرار می‌گیرند نیز ممکن است دارای تفاوتهایی باشد. آثار گاه در آزادی بیان و زمان حکومت حکمرانهای موافق با مولف در مذهب و گاه در تنگناهای تاریخی و در برخی مواقع در مواجهه با آثار دیگر علما قلم زده می‌شوند.

در این نوشتار به چندین روش کلی برای استحکام بخشی به روایات پرداخته شده و در صورت تعدد موارد هر روش، آنها نیز مورد پردازش و تمثیل قرار داده شده است. برخی از این روش‌ها مانند تواترسازی و شهرت روایی، مورد قبول فریقین و برخی دیگر همانند مبانی قاضی عیاض و دهلوی نتیجه رویکرد جدلی با اهل سنت هستند.

۲. وجود تواتر

بالاترین درجه ای که برای استحکام یک حدیث مورد بررسی قرار می‌گیرد، تواتر حدیث است. تواتر موجب علم به صدور حدیث بوده (همدانی، ۹) و حدیث متواتر به حدیثی میگویند که جماعتی آن را نقل نمایند که عادتا محال است بر کذب توافق پیدا کرده باشند (حموی، ۳۱؛ جرجانی، ۸). با توجه به اینکه حدیث متواتر موجب علم قطعی به صدور حدیث است و نزد فریقین از جایگاه والایی برخوردار است، در اثبات و جدال بر پایه احادیث همیشه مورد عنایت علما قرار دارد. اگر حدیثی در نقل به حد تواتر رسیده باشد، علما عمل به آن را لازم دانسته و نیازی به بررسی رجال و راویان آن نیز نخواهد بود (عسقلانی، ۱۴۲۱ق، ۴۵).

۲-۱. اثبات تواتر محصل

برای اثبات تواتر در یک حدیث، باید شروط تواتر در تمام طبقات اجرا شود. یعنی در

تمام طبقات راویان باید کثرت ایشان به حدی باشد که توافق ایشان بر کذب عادتا محال شمارده شود (عسقلانی، ۱۴۲۱ق، ۴۳). این مساله هم در شیعه و هم اهل سنت مورد اتفاق است و اگر شیعه نیز چنین مساله ای را شرط نمی‌دانست، در راستای یک مبحث علمی و جدل صحیح با اهل سنت، شیعه باید بر مبانی اهل سنت مطلب را بر ایشان واضح نمایند و در موارد عکس نیز، اهل سنت باید بر مبانی شیعه ایشان را مجاب نمایند. از همین روی میرحامد حسین در سه مرحله به شمارش روات پرداخته است. ابتدا علما و بزرگانی از اهل سنت که حدیث طیر را نقل نموده و یا در کتب خود نگاشته اند، نام می‌برد و سپس تابعینی که مشمول حدیث خیر القرون هستند و در روایت این حدیث نقش داشته‌اند را متذکر می‌شود. در نهایت و در طبقه اول اصحابی که جایگاه والایی نزد اهل سنت دارند و بسان ستارگانی هستند که هر یک از ایشان می‌توانند امتی را هدایت کنند بر می‌شمارد که همگی از رسول الله ﷺ نقل روایت طیر نموده اند.

۲-۱-۱. صحابه

میرحامد حسین ۹ تن از اصحابی که حدیث طیر را روایت نموده‌اند به همراه علمایی که حدیث هر یک از صحابه را در آثارشان وارد کرده اند، بر می‌شمارد. در تتبع میرحامد حسین، امیرالمومنین علیه‌السلام (حاکم نیشابوری، ۱۴۱: ۳؛ ابن مغازلی، ۱۷۰؛ ابن کثیر، ۸۲/۱۱)، عبدالله بن عباس (عسقلانی، ۱۴۲۰ق، ۱۲۱/۱۶)، ابوسعید خدری (حاکم نیشابوری، ۱۴۱/۳)، سفینه (بزار، ۲۸۷/۹)، ابوالطفیل عامر بن واثله (ابن مغازلی، ۱۷۰)، انس بن مالک (ترمذی، ۶۳۶/۵)، سعد بن ابی وقاص (ابونعیم اصفهانی، ۳۵۶/۴)، عمرو بن عاص (اخطب خوارزم، ۱۹۹و۲۰۰) و ابو مرازم یعلی بن مرة بن وهب بن جابر (عسقلانی، ۱۴۲۰ق، ۱۱۸/۱۶) اصحابی هستند که حدیث طیر را روایت نموده اند.

در گزارشات علمای اهل سنت نام دو نفر دیگر از اصحاب نیز که این حدیث را روایت کرده اند، موجود است. ابن عساکر در تاریخ دمشق سلسله راویان حدیث طیر را به جابر بن عبدالله انصاری (ابن عساکر، ۲۴۵/۴۲) رسانده است. ابن کثیر نیز در البدایه و النهایه حبشی بن جناده (ابن کثیر، ۸۳/۱۱) را از راویان حدیث طیر دانسته و ایشان نیز در زمره اصحاب

رسول الله ﷺ شمارده می‌شوند. یعنی در نهایت حدیث طیر از یازده نفر از اصحاب رسول الله ﷺ نقل شده است. جدا از اصحابی که به نقل این روایت پرداخته اند، اصحاب شورا نیز در نقل این روایت از امیرالمومنین علیه‌السلام سکوت کرده‌اند (موسوی، ۱۰۷/۱۳) و در واقع این سکوت را نیز می‌توان حاکی از صحت این روایت در نظر ایشان دانست و بر حکم به تواتر روایت استحکام بیشتری بخشید.

۲-۱-۲. تابعان

میرحامد حسین ذیل حدیث طیر و در راستای اثبات صدور و تواتر آن، بیش از نود نفر از تابعین را می‌شمارد که حدیث طیر را روایت نموده‌اند و همچنین علمایی که احادیث این تابعین را در آثار خود نقل نموده‌اند را به تفکیک هر یک از تابعین متذکر می‌شود. در ادامه به دلیل اینکه نقل جایگاه هر یک از ایشان طولانی خواهد شد به وصف عمومی تابعین پرداخته و جایگاه ایشان از منظر رسول الله ﷺ و علمای حدیث و رجال را بیان می‌نماید (موسوی، ۶۷/۱۳ و۶۹). مبحث بیان جایگاه تابعین در کتاب عبقات الانوار را بر محور حدیث خیرالقرون می‌توان یافت چرا که در این روایت پیامبر گرامی اسلام ﷺ به بیان بهترین افراد و درجه بندی قرون پرداخته اند.

طبق روایتی که ابن حبان در کتاب الثقات و در ابتدای بحث تابعین آورده است، بهترین افراد امت پیامبر ﷺ قرنی است که ایشان در بین آنها مبعوث شده‌اند (اصحاب) و سپس قرن بعد از ایشان (تابعین) و در نهایت قرنی که بعد از ایشان (تابعینِ تابعین) می‌آیند (ابن حبان، ۶/۱). از این روی افرادی که پیامبر گرامی اسلام ﷺ بهترینِ امت معرفی کرده باشند از تاییدات آن جناب بهره مند بوده و در توثیق ایشان شکی راه نمی‌یابد. در پی این حدیث عبدالعزیز بن احمد بن محمد در کشف الاسرار نیز به این مطلب اشاره نموده است که در پذیرش مراسیل تابعین و اصحاب به جهت همین شهادت پیامبر ﷺ هیچ تفاوتی نخواهد بود چرا که طبق این حدیث عدالت همه تابعین ثابت است (علاءالدین بخاری، ۴/۳؛ موسوی، ۶۸/۱۳) و عبدالعزیز دهلوی نیز که عبقات الانوار در جواب از کتاب تحفه او نوشته شده است به همین مطلب اذعان داشته و در مقام جدل نیز می‌توان او

را ملتزم به این قاعده نمود (عبدالعزیز دهلوی، ۱۳۰؛ موسوی، ۶۸/۱۳). در مقام عمل به این حدیث می‌توان گفت یکی از فضائل ابوحنیفه را همین دانسته‌اند که او کسی را دیده که پیامبر ﷺ را مشاهده نموده است (حسینی بخاری، ۹۰). ناگفته نماند که سیوطی نیز در باب فضیلت این قرون ثلاثه رساله ای مستقل تالیف نموده است و خود نشان از این دارد که اهل سنت برای این سه طبقه جایگاه ویژه ای قائل بوده و این روایت از پیامبر گرامی اسلام ﷺ را کاملا قبول دارند (موسوی، ۶۸/۱۳).

۲-۱-۳. طبقات دیگر

میرحامد حسین تواتر را در طبقات صحابه و تابعین به درستی اثبات نموده و در طبقات بعد نیز حدود ۹۰ نفر از روایت کنندگان حدیث طیر و یا معترفین به صحت آن را نام میبرد که از جمله ایشان روایت ابوحنیفه (ابن اثیر، ۱۰۲/۴؛ موسوی، ۱۱۷/۱۳)، احمد بن حنبل (احمد بن حنبل، ۱۴۰۳ق، ۵۶۰/۲؛ موسوی، ۱۱۸/۱۳)، ترمذی (ترمذی، ۶۳۶/۵؛ موسوی، ۱۳۴/۱۳) وبلاذری (بلاذری، ۱۴۲/۲؛ موسوی، ۱۶۶/۱۳) است که از بزرگان حدیث به شمار می‌روند و این ناقلین را تا قرن سیزدهم بر می‌شمارد تا در تمام طبقات چنین تواتری ایجاد شود.

با توجه به اینکه میر حامد حسین کتاب عبقات الانوار را در جوابِ نوشته دهلوی تالیف نموده است، رویکرد جدلی او نیز در جای جای این کتاب مشهود بوده و از این روی جلالت شان هر یک از این ناقلین را برشمارده و میزان اعتبار و وثوق علمای اهل سنت به آنها را متذکر می‌شود هرچند که در تواتر، عدالت (زرکشی، ۳۲۲/۱) و بلکه اسلام نیز شرط نیست و صرفا حصول اطمینان به صدور حدیث با توجه به عدم احتمال توافق بر کذب راویان لحاظ می‌شود.

۲-۲. اثبات تواتر از طریق جدل

برای تواتر در بیان اکثر علمای شیعه و اهل سنت عدد خاصی بیان نشده و صرفا ملاک آن را حصول یقین به صدور خبر دانسته اند. از این روی شاید در بسیاری از احادیث عده ای از علما ادعای وجود تواتر کرده و عده ای دیگر این ادعا را نپذیرفته باشند. اما در مقام جدل با اهل سنت می‌توان قضاوت علمایی که قائل به تواتر برخی

احادیث شده‌اند را با وجود اینکه در طبقه صحابه چهار نفر یا کمی بیشتر ناقل حدیث وجود دارد، بیان کرد.

ابن حجر در کتاب صواعق روایت «مروا ابابکر فلیصل بالناس» را با نقل هشت نفر از صحابه متواتر دانسته است (هیتمی، ۵۹/۱؛ موسوی، ۶۹/۱۳). ابن حزم قرطبی نیز احادیثی را در نتیجه نقل چهار[1] یا پنج[2] نفر از صحابه متواتر دانسته است (موسوی، ۶۹/۱۳). میرحامد حسین در این زمینه از ابن حزم و ابن حجر یاد کرده است ولی نمونه‌های بیشتری نیز موجود است. به عنوان مثال طحاوی درباره روایتی که از شش صحابه نقل شده است می‌نویسد: «فهذه الآثار قد تواترت عن رسول الله صلی الله علیه وسلم بالسجود في المفصل فیها» (طحاوی، ۳۵۹/۱). کتانی و ابن تیمیه نیز با روایت هفت (کتانی، ۱۳۴؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ۲۳۷/۲۲) و نه (کتانی، ۸۱) نفر از صحابه روایت را متواتر دانسته اند. کتانی در همین راستا از قول سیوطی هر روایتی که ده نفر از صحابه روایت نموده باشند را نزد اهل حدیث متواتر دانسته است[3]. با وجود اینکه منابع موجود در دست میرحامد حسین محدودیت داشته است، ایشان روایت طیر را منقول از ۹ صحابه دانسته‌اند که همین مقدار نیز با قبول علما به تواتر در عمل مواجه گشته است. البته در این نوشته حدیث طیر از دو صحابه دیگر (ابن عساکر، ۲۴۵/۴۲؛ ابن کثیر، ۸۳/۱۱) نیز روایت شده است تا طبق اعتراف سیوطی و کتانی نزد اهل سنت قطعا متواتر محسوب شود.

میرحامد حسین با نقل شروط تواتر از زبان ایجی نیز در صدد اثبات تواتر برآمده است. او می‌نویسد که ایجی سه شرط را برای تواتر لازم دانسته است. اول اینکه تعداد روات به حدی باشد که توافق ایشان به کذب محال باشد. شرط دوم این است که خبر مخبرین مستند به حس باشد و شرط آخر نیز این است که تواتر در تمام طبقات حفظ شده باشد

---

۱. « فهؤلاء أربعة من الصحابة، فهو نقل تواتر لا تحل مخالفته» (قرطبي، بی تا، ۱۳۵/۲)
«فهؤلاء أربعة من الصحابة رضی‌الله‌عنهم فهو نقل تواتر لا تحل مخالفته» قرطبي، بی تا، ۱۳۵/۲، ۷/۹)
۲. «فهذا نقل خمسة من الصحابة بالطرق الثابتة فهو نقل تواتر» (قرطبي، بی تا، ۴۵۳/۸)
۳. «وقد قال الحافظ السیوطی فی الأزهار المتناثره فی الأخبار المتواتره أن کل حدیث رواه عشره من الصحابه فهو متواتر عندنا معشر أهل الحدیث» (کتاني، بی تا، ۱۶)

(ایجی، ۴۰۸/۲؛ موسوی، ۱۰۸/۱۳) و هر سه شرط مذکور در کلام ایجی بر حدیث طیر منطبق است. لذا ایجی و علمایی که قائل به این شروط برای ایجاد تواتر هستند، باید حدیث طیر را متواتر بدانند.

۳. اثبات شهرت و کثرت روایی در منابع فریقین

شهرت روایت هم از منظر اصول و فقه و هم در مباحث کلامی برای استحکام جایگاه حدیث مورد عنایت واقع شده است و آن را باعث جبران سند دانسته اند. حدیث طیر نیز هم از منظر راویان و هم منابعی که نقل آن نموده اند، دارای شهرت بوده و تعدد روایات طیر هر دانشمندانی را بی نیاز از بررسی سند آن خواهد کرد.

۳-۱. بیان اسامی راویان

اسامی راویان در بررسی اسناد معمولا برای توثیق و تضعیف راویان و میزان اعتبار سند روایات ذکر می‌شود. اما میر حامد حسین اسامی راویان را در جهت اثبات تواتر و شهرت در تمام طبقات ذکر نموده است. هرچند که او از اعتبار بالای برخی از راویان و صاحبان اثر بهره برده است اما بدون نیاز به بررسی یک سند خاص از حدیث طیر، احتجاج به این حدیث را موجه نموده است.

۳-۱-۱. شمارش راویان از قرن دوم تا سیزدهم و مشایخ شاه ولی الله

در بحث تواتر مطرح گشت که میر حامد حسین اسامی ۸۷ نفر از روات حدیث طیر از قرن دوم تا سیزدهم را نگاشته است (موسوی، ۴/۱۳). او همچنین سی و سه تن از محدثین و علمای بزرگ از مشایخ اجازه پدر دهلوی شاه ولی الله را که از طریق مشایخ سبعه خود از ایشان روایت نموده و به همین جهت نیز شکر خدا می‌نماید (دهلوی، بی تا، ۳)، بر می‌شمارد (موسوی، ۸/۱۳). شاه ولی الله تصریح نموده است که فضل این علما ثابت و محقق و اجماعی است. از جمله این علما که روایت طیر را نقل کرده‌اند می‌توان ابو حنیفه، احمد بن محمد بن حنبل شیبانی، ترمذی، عبد اللّٰه بن محمد بن حنبل شیبانی، بزّار، نسائی و طبری را نام برد (موسوی، ۸/۱۳).

سال بیست و دوم، شمارهٔ ۸۸، پاییز ۱۴۰۴

۳-۱-۲. ناقلان ثقه

در میان علمای بزرگی که روایت طیر را نقل نموده اند، احمد بن حنبل نیز وجود دارد که به تصریح برخی از علما از غیر ثقه نقل نمی‌نماید (سبکی، ۱۴۱۹ق، ۷۵). میر حامد حسین از این مطلب ثبوت وثوق و اعتماد به روات حدیث طیر که توسط احمد روایت شده است را نتیجه می‌گیرد. چرا که منظور از روایت نکردن از طریق غیر ثقه یا بی واسطه و با واسطه است و یا فقط بدون واسطه. اگر مقصود از این مطلب نقل بی واسطه و با واسطه باشد که وثوق تمام روات طیر که احمد از ایشان روایت نموده است، ثابت خواهد شد واگر مقصود فقط بی واسطه باشد که باید گفت هر وجهی که برای ترک حدیث از غیر ثقه بی واسطه وجود دارد، همان نیز در ترک حدیث از غیر ثقه با واسطه نیز وجود دارد لذا باید وثاقت تمام روات حدیث طیر از جانب او ثابت شود (موسوی، ۱۲۱/۱۳).

۳-۲. وجود روایت در منابع فریقین

یکی از شواهدی که میر حامد حسین برای اثبات صدور حدیث ذکر می‌کند (موسوی، ۱۱۰/۱۳) و قطعا برای اثبات شهرت نیز راهگشا خواهد بود، وجود حدیث طیر در لسان روات والا مرتبه از فریقین است. وجود پر رنگ این روایت در منابع فریقین در حدی که است که می‌توان استفاده تواتر برای این روایت نمود و شهرت و صحت این حدیث را در پی خواهد داشت.

۳-۳. تالیف کتاب و رساله مستقل در باب حدیث طیر

هفت نفر از علمای بزرگ اهل سنت در باب حدیث طیر و خصوصا جمع اسانید این روایت کتاب و رسالۀ مستقل تالیف نمودند (موسوی، ۴۶/۱۳). این علما عبارتند از: طبری، ابن عقده، حاکم نیشابوری، ابونعیم اصفهانی، ابن حمدان، ذهبی و ابن مردویه اصبهانی. میرحامد حسین در این باب می‌نگارد که از تالیف این بزرگان شهرت نزدیک به یقین حاصل می‌شود. چرا که تفاهم این همه روات در هر طبقه بر کذب در روایت کردن حدیث طیر عادتا محال است (موسوی، ۴۶/۱۳). لکن اگر هم این مطلب صحیح نباشد تالیف این همه کتاب مستقل در این باب دلالت بر تکثر و تعدد طرق و صحت (سبکی، ۱۴۱۳ق، ۱۶۵/۴)

این روایت دارد و اگر حدیثی صحیح و بلکه حسن هم نباشد وقتی به این درجه از تعدد طرق برسد که برایش رساله ای مستقل تالیف شود، کمتر از درجه حسن نخواهد داشت (مناوی، ۱۶۹/۱). در ادامه می‌نویسد که حتی اگر حدیث طیر را حسن هم ندانیم از باب قاعده «کثرة الطرق یقوی بعضها بعضا» این حدیث قوی و قابل احتجاج خواهد بود (عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ۶۷/۸) و همین کثرت طرق باعث رد طعن و صیانت از ورود جرح و قدح بر حدیث خواهد بود (مناوی، ۱۲۰/۱).

باید به این نکته توجه داشت که اگر فردی از حفاظ حدیث، حدیثی را روایت کند و وضعیت آن را بیان ننمایند به گفته ذهبی برای آن حافظ ننگ و عار خواهد بود (ذهبی، ۳۷/۳). حال که این هفت نفر در باب این روایت کتاب جداگانه تصنیف کرده‌اند اگر معتقد به ضعف باشند و آن را بیان نکرده باشند برای ایشان مایه ننگ علمی خواهد بود چرا که موجبات جهالت و شیوع خبر باطل را فراهم نموده‌اند (سبکی، ۱۴۱۳ق، ۱۶۶/۴).

۴. استناد به کتب معتبر اهل سنت

یکی از مطالبی که در استحکام صدور و صحت روایت موثر می‌باشد، وجود روایت در کتب معتبر است. برخی از کتب مثل صحاح سته و مناقب احمد بن حنبل از جایگاه ویژه ای برخوردار هستند. از جمله کتابهایی که حدیث طیر در آنها روایت گشته المناقبِ احمد بن حنبل، صحیح ترمذی متعلق به او، مستدرک علی الصحیحینِ حاکم نیشابوری، الابانه متعلق به ابن بطه، تاریخ بغداد خطیب بغدادی، مسند ابو یعلی و هجده کتاب معتبر دیگر است که علامه هر یک از آنها را نام برده و ذکر می‌نماید که کدام یک از علما این کتب را روایت کرده‌اند (موسوی، ۵۴/۱۳). در ادامه بیان می‌کند که روایت کل کتاب مستلزم روایت جزء نیز هست و هر شیخی که در سلسله روایت این کتب واقع شده است، راوی حدیث طیر محسوب خواهد شد (موسوی، ۶۲/۱۳).

۵. اعتراف قولی و عملی علما به صدورحدیث

دیدگاه ها، قضاوت‌ها و تعامل علما در مواجهه با روایات می‌تواند زوایایی از چگونگی برخورد با آن روایات را مشخص سازد. برخی از علما ممکن است به صحت روایت صراحت

سال بیست و دوم، شمارهٔ ۸۸، پاییز ۱۴۰۴

بورزند و برخی نیز با عمل و نوع گویش خود قطعیت حدیث را نمایان سازند. میر حامد حسین از این منظر نیز حدیث طیر را بررسی نموده است.

۵-۱. اعتراف علما به صدور حدیث

قاعده ای در میان محدثین مشهور است که اگر روایتی را صحیح یا حسن ندانند، آن را با صیغه جزم به پیامبر گرامی اسلام ﷺ نسبت نمی‌دهند. عبارات «قال»، «فعل»، «امر»، «نهی» و دیگر عباراتی که دلالت بر قطعیت نسبت به پیامبر ﷺ می‌باشند فقط در صورت حسن یا صحت حدیث از محدثین صادر می‌شود. اما در جایی که باور به صحت و حسن حدیث وجود نداشته باشد از عبارتی نظیر «روی عنه»، «جاء عنه» و «یروی» استفاده می‌نمایند (نووی، ۷۱/۱؛ سیوطی، بی تا، ۱۲۳/۱؛ موسوی، ۵۱/۱۳).

میر حامد حسین نیز اسامی هفت نفر از علمایی که این روایت را با جزم روایت کرده‌اند بیان می‌دارد و همین مطلب را به عنوان باور این علما به صدور حدیث از پیامبر گرامی ﷺ عنوان می‌نماید. ابو الحسن مسعودی (مسعودی، ۴۲۵/۲)، ابن عبدالبر (موسوی، ۵۱/۱۳)، محمد بن طلحه شافعی (شافعی۷۶/۱؛ موسوی، ۵۱/۱۳)، صفوری (صفوری، ۱۶۲/۲)، ابن روزبهان (موسوی، ۵۱/۱۳)، جفری (موسوی، ۵۱/۱۳) و شاه ولی الله (موسوی، ۵۱/۱۳) علمایی هستند که صدور روایت طیر را در باب فضیلتی برای امیرالمومنین علیه‌السلام قطعی دانسته و با صیغه جزم از آن یاد کرده اند.

برخی از علما نیز تصریح به صحت روایت طیر کرده اند. از جمله این علما قاضی عبدالجبار معتزلی است که به نقل ابن شهر آشوب حدیث طیر نزد او صحیح است. (ابن شهر آشوب، ۲۸۲/۲؛ موسوی، ۲۷۶/۱۳).

۵-۲. قبول عملی اندیشمندان

افراد بزرگی در تاریخ هستند که با حدیث طیر معامله روایت قطعی الصدور نموده و با آن احتجاج کرده و یا این روایت را به نظم در آورده اند. به عنوان مثال می‌توان به سکوت اصحاب شورا در قبال بیان حدیث طیر که از ناحیه امیرالمومنین علیه‌السلام انشاد شده است

(دهلوی، ۱۳۵۵ق، ۲۲/۲؛ موسوی، ۱۰۷/۱۳)، اشاره نمود. حسب تصریح قاضی عبدالجبار، مامون عباسی بواسطه همین حدیث شریف استدلال بر افضلیت امیرالمومنین علیه‌السلام نموده و اسحاق بن ابراهیم از فقهای عصر و چهل تن از فقهای بزرگ معاصر او نیز این روایت و صحتش را پذیرفته‌اند (ابن عبد ربه، ۳۵۰/۵؛ موسوی، ۲۱۳/۱۳) و چندین شاعر نیز این روایت را به نظم در آورده‌اند که به اعتراف سیوطی همین مساله دلالت واضح بر صحت و صدور حدیث و شهرت آن در صدر و طبقه اول دارد (سیوطی، مکتبه شامله، ۱؛ موسوی، ۱۰۶/۱۳).

۶. قطعیت حدیث بنا بر مبانی قاضی عیاض

قاضی عیاض عبارتی را در کتاب شفا می‌نویسد که در آن جریانی مثل معجزه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در تکثیر طعام و آب را قطعی می‌داند. علت او بر این مطلب این است که این جریان توسط عده زیادی از اصحاب نقل شده است (موسوی، ۱۱۳/۱۳) و از طرفی این معجزه در اجتماع مسلمین و در خندق و تبوک اتفاق افتاده است و هیچ یک از صحابه این جریان را انکار نکرده است. همین که اصحاب بر نقل این جریان سکوت کرده اند، از منظر قاضی عیاض مانند نطق ناطق خواهد بود. چراکه ایشان منزه از سکوت بر باطل هستند و از طرف دیگر مانعی هم برای انکار ایشان وجود نداشت (قاضی عیاض، ۴۹۶/۱؛ موسوی، ۱۱۴/۱۳). مولفه‌هایی که قاضی عیاض برای قطعیت این معجزه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده است در روایت واقعه طیر نیز وجود دارد (موسوی، ۱۱۴/۱۳).

همچنین قاضی عیاض در ادامه می‌نویسد که اخبار بی اصل و اساس و باطل به مرور زمان و تداول مردم از بین خواهد رفت و همین که معجزه ای از معجزات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با خبر واحد نیز به مسلمین رسیده باشد با وجود اینکه دشمنان سعی در نابودی این فضائل دارند، نشان از اتقان و صحت و قطعیت آن روایت دارد (قاضی عیاض، ۴۹۸/۱). این سخن از ایشان نیز در جریان طیر قابل تطبیق است چراکه با وجود این همه دشمنی با امیرالمومنین علیه‌السلام در طول تاریخ و انگیزه‌هایی که برای مخفی ماندن فضائل ایشان وجود داشت، چندین خبر از اصحاب به دست رسیده است و این نشان از قوت این خبر و قطعیت آن نزد ناقلین دارد (موسوی، ۱۱۵/۱۳).

سخن پایانی

رهاورد مهم نوشتار حاضر این است که در برخی روایات بدون در نظر گرفتن سلسله روات و ارزیابی شخصیت تک تک راویان میتوان استناد به آن روایات را محکم ساخت. برای این مقصد، مسیرهایی از جمله تواترسازی، بررسی شهرت روایت، بررسی اعتبار کتابهایی که نقل آن روایت نموده اند، تعامل علما با روایت و بررسی مبانی اهل سنت برای رویارویی صحیح در مسائل کلامی وجود دارد. گاه روایتی به چند طریق از همین وجوه مورد تایید قرار می‌گیرد و وثوق به صدور حاصل می‌گردد ولی باید توجه داشت که برخی از طرق مذکور از جمله اثبات تواتر حدیث به تنهایی در مساوات با وثوق به صدور حدیث خواهد بود و به اجماع فریقین عدالت روات نیز برای حصول آن شرط نیست. شیوه میرحامد حسین در اثبات صدور احادیث هرچند به صورت جدلی است ولی در کل باعث اقناع و رهیافت به حقیقت نیز خواهد بود.

فهرست منابع

ابن اثیر، علي بن أبي الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم، ۱۴۱۵ ق، **أسد الغابة في معرفة الصحابة**، علي محمد معوض و عادل أحمد عبد الموجود، بی جا، دار الكتب العلمية

ابن الوزير، محمد بن إبراهيم بن علي، بی تا، **الرَّوضُ البَاسِمْ في الذِّبِّ عَنْ سُنَّةِ أبي القَاسِم**، بی جا، دار عالم الفوائد للنشر والتوزيع

ابن تيميه، أحمد بن عبد الحليم، ۱۴۱۶ق، **مجموع الفتاوى**، المدينة النبوية، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف

----------، ۱۴۱۵ ق، **بغية المرتاد في الرد على المتفلسفة والقرامطة والباطنية**، موسى الدويش، مدينه، مكتبة العلوم والحكم

ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد بن حبان، ۱۳۹۳ق، **الثقات**، حيدر آباد، دائرة المعارف العثمانية

ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، **مناقب آل أبي طالب**، محمد حسين آشتيانی و هاشم رسولی، قم، علامه

ابن عبد ربه، أحمد بن محمد، ۱۴۰۴ق، **العقد الفريد**، بيروت، دار الكتب العلمية

ابن عساكر، علي بن الحسن ابن هبة الله، ۱۴۱۵ق، **تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل أو اجتاز بنواحيها من وارديها وأهلها**، محب الدين أبو سعيد عمر بن غرامة العمروي، بی جا، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع

ابن كثير، إسماعيل بن عمر، ۱۴۲۴ ق، **البداية والنهاية**، عبد الله بن عبد المحسن التركي، بی جا، دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان

ابن مغازلی، علي بن محمد بن محمد بن الطيب، ۱۴۲۴ ق، **مناقب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب**، أبو عبد الرحمن تركي بن عبد الله الوادعي، صنعاء، دار الآثار

ابونعیم اصفهانی، أحمد بن عبد الله، ۱۳۹۴ ق، **حلية الأولياء وطبقات الأصفياء**، مصر، مطبعة السعادة

أحمد بن حنبل، ۱۴۲۱ ق، **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، شعيب الأرنؤوط- عادل مرشد و دیگران، بی جا، مؤسسة الرسالة

----------، ۱۴۰۳ ق، **فضائل الصحابة**، وصي الله محمد عباس، بيروت، مؤسسة الرسالة

اخطب خوارزم، موفق بن احمد، ۱۴۱۴ ق، **المناقب**، الشيخ مالك المحمودي، بی جا، مؤسسة النشر الإسلامي،

ایجی، عضد الدين، ۱۴۲۴ ق، **شرح مختصر المنتهى الأصولي للإمام أبي عمرو عثمان ابن الحاجب المالكي**، محمد حسن إسماعيل، بيروت، دار الكتب العلمية

بزار، أحمد بن عمرو بن عبد الخالق، ۲۰۰۹ م، **مسند البزار**، محفوظ الرحمن زين الله، عادل بن سعد، صبري عبد الخالق الشافعي، مدينه، مكتبة العلوم والحكم

بلاذری، أحمد بن يحيى بن جابر، ۱۴۱۷ق، **جمل من أنساب الأشراف**، سهيل زكار ورياض الزركلي، بيروت، دار الفكر

ترمذی، محمد بن عيسى بن سَوْرة، ۱۳۹۵ ق، **سنن الترمذي**، أحمد محمد شاكر ومحمد فؤاد عبد الباقي وإبراهيم عطوة عوض، مصر، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي

جرجانی، علي بن محمد بن علي، ۱۳۵۰ ق، **الديباج المُذَهَّب في مصطلح الحديث**، مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده

حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، ۱۴۱۱ ق، **المستدرك على الصحيحين**، مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية

حسینی بخاری، محمد صدیق خان بن حسن، ۱۴۰۵ق، **الحطة في ذكر الصحاح الستة**، بيروت، دار الكتب التعليمية

حموی، محمد بن إبراهيم بن سعد الله، ۱۴۰۶ ق، **المنهل الروي في مختصر علوم الحديث النبوي**، محيي الدين عبد الرحمن رمضان، دمشق، دار الفكر

دهلوی، شاه ولی الله، بی تا، **الارشاد الى مهمات علم الاسناد**، سایت جامع الکتب الاسلامیه

----------، ۱۳۵۵ق، **التفهيمات الالهيه**، بی جا، المجلس العالمی

دهلوی، عبدالعزیز، ۱۴۳۲ق، **تحفه اثنی عشریه**، استانبول، مكتبة الحقيقة

ذهبی، محمد بن أحمد بن عثمان، ۱۴۱۹ق، **تذكرة الحفاظ**، بيروت، دار الكتب العلمية

زرکشی، أبو عبد الله بدر الدين محمد بن عبد الله بن بهادر، ۱۴۱۹ ق، **النكت على مقدمة ابن الصلاح**، زين العابدين بن محمد بلا فريج، رياض، أضواء السلف

سبکی، عبدالوهاب، ۱۴۱۹ ق، **شفاء الاسقام**، بی جا، بی نا

----------، ۱۴۱۳ ق، **طبقات الشافعية الكبرى**، محمود محمد الطناحی و عبد الفتاح محمد الحلو، بی جا، هجر للطباعة والنشر والتوزيع
سيوطی، عبد الرحمن بن أبي بكر، **الازدهار في ما عقده الشعراء من الأحاديث و الآثار**، شامله نسخه۳،۵۱
----------، بی تا، **تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي**، أبو قتيبة نظر محمد الفاريابي، بی جا، دار طيبه
شافعی، محمد بن طلحه، بی تا، **مطالب السؤول في مناقب آل الرسول**، کتابخانه فقاهت
صفوری، عبد الرحمن بن عبد السلام، ۱۲۸۳ق، **نزهة المجالس ومنتخب النفائس**، مصر، المطبعه الكاستلية
طحاوی، أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة، ۱۴۱۴ق، **شرح معانی الآثار**، بی جا، عالم الكتب
عسقلانی، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر، ۱۴۲۱ ق، **نزهة النظر في توضيح نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر**، نور الدين عتر، دمشق، مطبعة الصباح
----------، ۱۴۲۰ ق، **المطَالبُ العَاليَةُ بِزَوَائِدِ المسَانيد الثّمَانِيَةِ**، بی جا، دار العاصمة للنشر والتوزيع – دار الغيث للنشر والتوزيع
----------، ۱۳۷۹ق، **فتح الباري شرح صحيح البخاري**، بيروت، دار المعرفة
علاء الدين بخاری، عبد العزيز بن أحمد بن محمد، بی تا، **كشف الأسرار شرح أصول البزدوي**، بی جا، دار الكتاب الإسلامي
فخر رازی، محمد بن عمر بن حسن، ۱۴۱۸ق، **المحصول**، طه جابر فياض العلواني، بی جا، مؤسسة الرسالة
قاضی عياض، عياض بن موسى بن عياض، ۱۴۰۷ ق، **الشفا بتعريف حقوق المصطفى**، عمان، دار الفيحاء
قرافی، أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن، ۱۹۹۴م، **الذخيرة**، محمد حجي و سعيد أعراب و محمد بو خبزة، بيروت، دار الغرب الإسلامي
قرطبی، أبو محمدعلی بن أحمد بن سعيد بن حزم، بی تا، **المحلى بالآثار**، بيروت، دارالفكر، بيروت
كتانی، أبو عبدالله محمد بن أبی الفيض جعفر بن إدريس الحسنی الإدريسی، بی تا، **نظم المتناثر من الحديث المتواتر**، مصر، دارالكتب السلفية
مسعودی، ابوالحسن، ۱۳۶۳ش، **مروج الذهب ومعادن الجوهر**، قم، منشورات دار الهجرة
مناوی، زين الدين محمد، ۱۳۵۶ ق، **فيض القدير شرح الجامع الصغير**، مصر، المكتبة التجارية الكبرى
موسوی، میرحامدحسین، ۱۳۶۶ ش، **عبقات الانوار فی امامة ائمة الاطهار**، اصفهان، کتابخانه امیرالمومنین
نووی، يحيى بن شرف، ۱۳۹۲ ق، **المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج**، بيروت، دار إحياء التراث العربي
همدانی، محمد بن موسى بن عثمان، ۱۳۵۹ ق، **الاعتبار في الناسخ والمنسوخ من الآثار**، حيدرآباد، دائرة المعارف العثمانية
هيتمی، أبی العباس أحمد بن محمد بن محمد بن علی بن حجر، ۱۹۹۷م، **الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة**، بيروت، مؤسسة الرسالة